

بنام دوست

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله (31 آل عمران)
بگوگر آفریدگار را دوست داری مرا رهرو باش مرخداى تور دوست بدارد

زنده شود هر که پیش دوست بمیرد
مرده دل است آنکه هیچ دوست نگیرد

سعدی

مقاله ای در اخلاق اسلامی به بهانه دهمین سالگشت سفر روحانی فیلسوف عملی اخلاق دوستی، حضرت آیه اله مجدالدین محلاتی رحمة اله علیه مقدمه

بیست و دوم خرداد ماه سال 1389 مصادف با دهمین سالگشت درگذشت عالم واصل و عارف روشن ضمیری است که بی تردید در تاریخ معاصر فارس باید از او بعنوان فیلسوف عملی اخلاق دوستی یاد کرد.

معمولا پس از درگذشت آدمیان خاطرات و آثار آن مسافران دیار باقی بتدریج رنگ میبازد. رنگ و نقش میراث اخلاقی یکی از نشانه های پاک و اصیل خداوند یعنی حضرت مجدالدین محلاتی اما، دهسال پس از رحلت وی شفاف تر و زیباتر می نماید. در این ده ساله، که آفتاب تند حوادث و تحولات بر نقشها و فرشهای وجودی کسان بسیاری که در زمینه مسائل دینی و اجتماعی صاحب مکننت و قدرت و نفوذ نهادی بوده اند تابیده است. آنها که تار و پودشان از الیاف مصنوعی بوده و به زعم تصادفات و نه بواسطه همتها به جایگاهی رسیده بودند همگی رنگ باخته اند. وجود های اصیل اما، همانند فرشهای اصیل از آفتاب و همانند کلمات طیبیه به قول حکیم فردوسی از باد و باران گزند نیافته بلکه بر قدر و منزلتشان افزوده شده است. حضرت شیخ، به اقرار دوست و دشمن از این دست کسان و از این جنس بوده است.

در گفتگویی که اخیرا با همسر روشن ضمیر حضرت شیخ یعنی بانو صالحه مجاهد داشته ام، ایشان ضمن تقدیر و تاکید بر ضرورت راه اندازی تارنمای موجود تاکید داشتند که مبدا در بزرگداشت پروادی اغراق گوئی و گزافه پردازی ببیمائیم. برآستی که ادبیات رسمی معاصر در ایران از بیماری مدهانه و مداحی رنج بسیار می برد. سلیقه ادبیات رسمی ما این است که یا کسی را به اوج فضائل میرساند و یا به حسیض خواری فرو می افکند. تقریبا حد وسط که قرار بوده شیوه مسلط تعامل اجتماعی در جوامع اسلامی باشد یا معدوم و یا در حکم النادر کالمعدوم است. درست بهمین دلیل دسترسی به یک تاریخ متعادل و متوازن از تحولات معاصر اجتماعی و علمی در سرزمین ما بسیار مشکل می نماید.

هم برای پرهیز از فرو افتادن در وادی فوق و هم در امثال امر مادر، در این مقاله از برشمردن صفات عالی حضرت مجد به تفصیل احتراز می کنیم و بجای آن ما بقی این نوشتار را که یک تحلیل علمی در ساحت علم اخلاق است تقدیم روان روشن آن طایر خوش پرواز آسمان معرفت و معنویت می نمائیم. نویسنده در انتخاب عنوان و محتوای مقاله بی تردید متأثر از مکتب اخلاقی حضرت مجد بوده است. برای حضرت ایشان دوستی صرفا بعنوان یک فضیلت در میان سایر فضائل مطرح نبوده بلکه در مکتب اخلاقی حضرت شیخ دوستی بصورت یک جهان بینی درآمده بود که شخص ایشان و میراث اخلاق عملی او محل بروز و جلوه تمام عیار این جهان بینی بود. او اخلاق را از دریچه دوستی میدید و نه دوستی را از دریچه اخلاقی و مابین این دو دیدگاه تفاوت سترگی است که مقاله پیوست در توضیح آن تلاش دارد.

دوستی به مثابه جهان بینی

"ملک فردوس بر درخت دوستی یک شاخ است"
خواجه عبداله انصاری

نویسنده: دکتر محمد جعفر محلاتی
مقدمه تاریخی

تاریخ علم اخلاق یا به تعبیری گسترده‌تر تاریخ آگاهی انسان نسبت به خصلت‌های خویش به اندازه تاریخ خود بشر قدمت دارد. از عهد اولیه تاریخ مقدس (Sacred History) و کتب مقدسه (Scriptures) که بگذریم به افکار فلاسفه یونان میرسیم که محل توجه اکثر مطالعات آکادمیک و دانشگاهی پیرامون مباحث علم اخلاق است. عالمان مسلمان علم اخلاق نیز عموماً بر دو منبع اولیه متکی بوده‌اند: قرآن و احادیث از یکسو و آثار متفکران یونانی از دگر سو. بهمین جهت اگر بر بخش اعظم کتب اخلاقی علمای مسلمان که از آغاز پیدایش علم اخلاق به سبک کلاسیک نگاشته شده اند تا آخرین آثار از این دست یعنی دو کتاب معروف فاضلین نراقین (معراج السعاده و جامع السعادات) نظری اجمالی بیافکنیم و ملاحظه می‌کنیم که نگرش این علما بر مباحث اخلاقی به لحاظ تقسیم‌بندی و عناوین و بسیاری اوقات به لحاظ محتوا تفاوت چشمگیری با نظرگاه ارسطو در کتاب نیکوماخوس (Nicomachean Ethics) ندارد. از جمله مباحثی که ارسطو در این کتاب با تفصیل به آن پرداخته مبحث دوستی و انواع و کیفیات دوستی و ارزش نسبی دوستی در مجموعه سایر فضائل انسانی است. نفوذ کلام ارسطو در مبحث دوستی چنان است که حدود هزار و چهارصد سال پس از او احمد ابن مسکویه که از بنیان‌گذاران علم اخلاق اسلامی بحساب می‌آید آراء او را با تغییرات بسیار کمی در جامه ای از ادبیات اسلامی می‌پیچد و به جامعه مسلمان عرضه می‌دارد. به گمان نویسنده از میان طبقات علمای اخلاق مسلمان کمتر کسی به اندازه ابن مسکویه، به عمق سخنان ارسطو در زمینه اهمیت دوستی پی برده است (در این خصوص در بخش‌های پایانی این مقاله اشاراتی مطرح خواهد شد). حتی مهم‌ترین عالم علم اخلاق در تاریخ اسلام یعنی امام محمد غزالی نویسنده کتاب مرجع احیاء علوم الدین نیز هر چند در مبحث آداب صحبت به مسئله دوستی پرداخته است ولی بلحاظ عمق فلسفی در مبحث دوستی به پایه ابن مسکویه نمی‌رسد.

در دوران ما قبل مدرن، مدرن و فضای موسوم به ما بعد مدرن (post modern) یعنی در دوران دویست ساله گذشته، مبحث دوستی بلحاظ فلسفی در شرق مغفول مانده است. نویسنده که چندی است که به مطالعاتی در این رشته مشغول است و گاهگاه بدین مناسبت در کتاب‌فروشی‌های ایران پرسه می‌زند، به جز یک استثناء، در میان انبوه کتاب‌های منتشره، عنوانی راجع به دوستی نیافته است (آن استثناء نیز مربوط به کتابی است که جامع احادیث دوستی است و اثری از یک کار جدید فکری در آن نیست). در عین حال در مغرب زمین مبحث دوستی از سال‌های میانی قرن بیستم بی‌حد بطور روز افزون جدی گرفته شده و موضوع فکر و تحقیق در محافل آکادمیک و دانشگاهی بوده است.

متفکرین مغرب زمین، پس از اینکه بحث دوستی چندین قرن تحت سیطره اخلاق طبیعی مسیحی و اخلاق کانتی مورد بی توجهی بود مجدداً بدان روی آورده و تحقیقات پر دامنه‌ای را پیرامون این موضوع آغاز کرده‌اند. اخلاق مسیحی دوستی را در مبحث عشق به خداوند که ذاتی و طبیعی است منحل کرد و اخلاق وظیفه محور کانتی نیز اهمیتی برای آن قائل نگردید. دوستی در مکتب اثر - محور وفایده - محور (utilitarian) جان استوات میل هم اهمیت چندانی نیافت. تنها در سال‌های دهه 1970 میلادی بود که خانم الیزابت تافلر (Elizabeth Tafler) مجدداً توجه جدی به مبحث دوستی را احیاء کرد. او در واقع

مدیون بانوی فیلسوف دیگری بنام خانم گرتروود آنسکوم (Gertrud Anescombe) بود که در میانه قرن بیستم مجدداً اخلاق فضیلت محور یا به تعبیر دیگر کمال-محور یونانی را زنده کرد و به خانم تافلر فرصت داد که در این فضای تازه بطور مشروح به اهمیت فضیلت دوستی بپردازد.

به نظر نویسنده این سطور، احیای اخلاق کمال-محور (Virtue Ethics) در غرب در واقع فرصت تازه ای فراهم کرده و سرپل نوینی بدست داده که فلاسفه اخلاق در غرب و در جهان اسلام مجدداً با یکدیگر ملاقات کرده و رشته الفت قدیمی را که بین نظامهای اخلاق اسلامی و اخلاق یونانی برقرار بوده احیا کنند و جان تازه ای به آن ببخشند. درحقیقت تنها در این فضای تازه بازیافت و تعاطی اندیشه های اخلاقی است که می توان به پایه ریزی شالوده های فلسفی مسئله گفتگوی فرهنگها و تمدنها دست یافت زیرا بقول معروف اگر دوطرف گفتگو در هیچیک از پیش فرضهای عقلی و اخلاقی نقطه اشتراکی نداشته باشند، اصولاً گفتگو امکان ندارد.

علت بروز این امکان تازه و مغتنم این است که نظام اخلاقی قرآن و احادیث تا حدود زیادی کمال-محور است زیرا در اسلام ارزش اخلاقی اعمال در درجه اول به نیت عامل برمیگردد و در مستوای ثانی است که نفس عمل و اثر عمل ارزش میابد. البته این سخن بدین معنی نیست که منابع و مصادره اولیه و سنتی اسلامی از سایر نظام های اخلاقی عاری است. میدانیم اینکه برخی از متشرعین دائماً در محاورات روزمره بر تکلیف تکیه می کنند خود بوجود اخلاق وظیفه-محور در مراجع و منابع اخلاق اسلامی اشارت دارد. یا مثلاً وقتی در دایره احکام دروغ گفتن برای ایجاد صلح مجاز شمرده میشود جای پای اخلاق اثر-محور (Consequentialist Ethics) مشاهده میگردد. با این همه نظام اخلاقی قرآن کریم بطور مسلط کمال-محور است. هم قرآن پیامبر را بعنوان اسوه و الگو معرفی می کند و هم شخص پیامبر (ص) تاکید دارند که کار اصلی ایشان در امر رسالت اشاعه مکارم اخلاق (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) و کمال اخلاقی است. بقول استاد مصطفی ملکیان "در نظام اسلامی نباید پرسید چه باید کرد، بلکه باید پرسید چگونه باید بود" این چگونگی بی تردید به فضائل شخصی فرد ارجاع دارد.

نظامهای اندیشگی و جهان بینی شیعی و عرفانی نیز بر پایه دیدگاه کمال-محور برقرار شده است زیرا ستون فقرات آن هارا اصل امامت و ولایت تشکیل میدهد. امام ولی در واقع الگو و سرمشق سایر آحاد جامعه هستند که بعنوان نمونه های کمال یافته اخلاقی باید مورد تبعیت قرار گیرند. نظام اخلاقی الگو-محور یا سرمشق-محور بیان دیگری از نظام کمال-محور است. البته اصل اول مذهب شیعه عدل است که به عدل بعنوان یک وظیفه فراگیر و ریشه ای می نگردد. با اینهمه در نظریه شیعی خصیصه عدالت دوستی و عدالت پروری در شخص امام به کمال میرسد و از مهمترین خصوصیات وی نیز بحساب می آید چنانکه اگر امام از عدالت ساقط شود از امامت نیز ساقط می گردد. حاصل اینکه اخلاق اسلامی و شیعی بمعنی اعم و اخص هر دو بطور مسلط کمال محور اند.

درست در همین فضای اخلاق کمال-محور و یا فضیلت-محور است که دوستی که بعنوان یک فضیلت کلان در فلسفه اخلاق کلاسیک مطرح بوده، مجدداً در مغرب زمین مورد عنایت فلاسفه قرار گرفته است. موضوع این مقاله اما نگرش به دوستی نه تنها بعنوان یک فضیلت کلان بلکه بعنوان یک جهان بینی است.